



Sagor för barn på svenska

berattelser.se

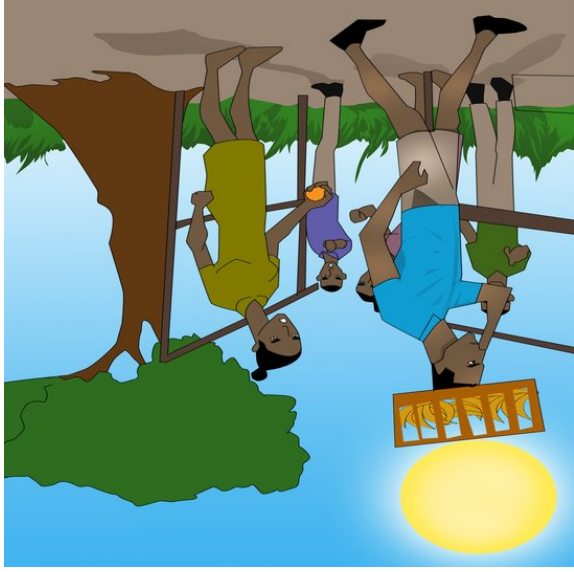
تاج، فرشته ی موز

Skriven av: Humphreys Odunga
Illustrerad av: Zablon Alex Nguku
Översatt av: Marzieh Mohammadian Haghighi

Denna saga kommer från African Storybook (africanstorybook.org) och vidarebefordras av Sagor för barn på svenska (<http://berattelser.se/>), som erbjuder sagor på många språk som talas i Sverige.

Detta verk är licensierat under en Creative Commons
[Erkännande 4.0 Internasjonal Lisens.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.sv)
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/deed.sv>

تاج، فرشته ی موز



✎ Humphreys Odunga
✉ Zablon Alex Nguku
📧 Marzieh Mohammadian Haghighi
😊 persiska
|| nivå 2





تام پک صندوق موزهای رسیده با خود حمل
می‌گرد.

تام به فروشگاه رفت که موزها را بفروشد





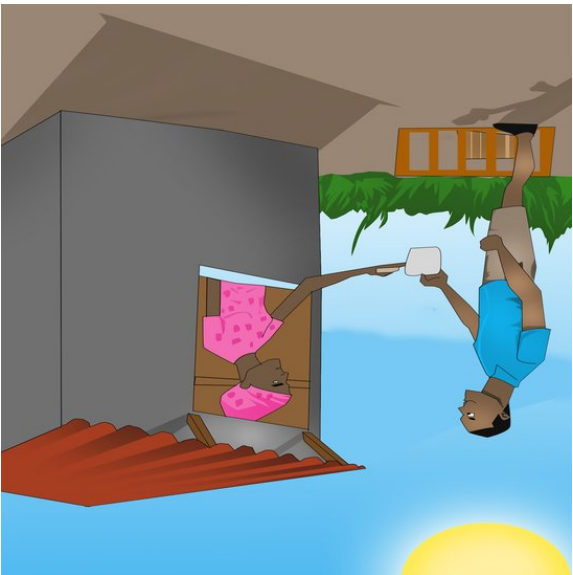
مَرْدُمُ دَرِ فُرُوشْگَاهِ دَرِ حَالِ خَرِيدَنِ مِیوهِ بُوْدَنْد.



تَامِ صَنْدُوقِ رَا رُویِ سَرَشِ قَرَارِ دَادِ وَبِهِ خَانِهِ رَفْت.

صندوقش گذاشت.

پشس تام صابون، شکر و نان خرید. او آنها را در



می دادند که از آن ها میوه بخرند.

ولی هیچکس از موزهایی تام نمی خرید. آنها ترحیح





مَرْدُم می گُفتند دَر جامعِه ی ما، فَقط زَنها میوه
می فُروشند. مَرْدُم می پُرسیدند، "او چگونِه مَردی
اَسْت؟"



خِیلی زود، صَندوق خالی شُد. تام پول هایِی کِه بِه
دَسْت آوَرده بود را شَمُرد.

مردم پیشتری به سمت غروفه آمدند. آنها موزه‌های
تأم را خریدند و آنها را جورزند.



ما موزه‌های ما "موزه‌ها زد، صدا زد، او تسلیم نشد. ولی
تأم موزه‌ها رستده ی شترین من را بخردند"





زنی یک دسته از موزها را از صندوق برداشت. او با
دقت به موزها نگاه کرد.



آن زن موزها را خرید.